

نقش مربی در علوم فناوریانه بر شخصیت و دینداری (با تأکید بر فقه تربیتی)

سید حسین حسینی^۱

محسن کاشانی^۲

چکیده

این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی نقش مربی در علوم فناوریانه و تأثیر آن بر شخصیت و دینداری شاگردان می‌پردازد. مربیان علوم فناوریانه به دلیل اهمیت فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، باید علاوه بر دانش فنی، الگوهای اخلاقی و شخصیتی مناسب باشند. در این پژوهش با تحلیل روایات اسلامی و اصول عقلی نظیر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، اهمیت حضور مربیان صالح در تربیت اخلاقی شاگردان بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مربیان با انتقال دانش و تقویت ارزش‌های اخلاقی، از سوءاستفاده از فناوری جلوگیری کرده و شاگردان را به استفاده‌ای مسئولانه و اخلاقی هدایت می‌کنند. همچنین، ارتباط نزدیک با مربیان صالح، تأثیرات مثبتی بر زیست اخلاقی دانشجویان و محصولات فناوریانه دارد. این پژوهش بر ضرورت انتخاب مربیان شایسته در علوم فناوریانه تأکید می‌کند، چرا که این امر نه تنها به پیشرفت علمی کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت دینداری و شخصیت نسل آینده متخصصان فناوری می‌شود. علاوه بر این، هوش مصنوعی و چت‌بات‌ها نیز با قابلیت ترویج اخلاق و معنویت می‌توانند در کنار آموزش علوم فناوریانه، ارزش‌های اخلاقی را نیز برجسته کنند. این رویکرد علاوه بر پیشبرد فناوری، اطمینان حاصل می‌کند که فناوری در خدمت اهداف انسانی و اخلاقی قرار گیرد. این پژوهش نقش مربی و ابزارهای فناوریانه را در تربیت نسل آگاه و اخلاقی به وضوح تبیین می‌کند.

کلمات کلیدی: اخلاق، هوش مصنوعی، فقه تربیتی، شخصیت، مربی.

۱. حسینی، سید حسین، سطح ۴ حوزه علمیه قم، دارای مدرک دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.

Etrate14@gmail.com

۲. کاشانی، محسن، دارای مدرک سطح ۴، حوزه علمیه قم، Mohsenkashani72797@gmail.com.

مقدمه

در دنیای امروز که فناوری به سرعت در حال توسعه است، حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، امنیت سایبری و بیوتکنولوژی نقش حیاتی در شکل‌دهی به آینده بشر ایفا می‌کنند. این فناوری‌ها با پتانسیل بالای خود، از یک سو توانسته‌اند بسیاری از چالش‌های بشر را حل کنند و از سوی دیگر، چالش‌های جدیدی به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی، اجتماعی و دینی ایجاد کرده‌اند. در این میان، استفاده صحیح و مسئولانه از فناوری‌های پیشرفته نیازمند هدایت و تربیت دقیق نسل جوان توسط مربیان آگاه و متعهد است. مربیان در علوم فناوریانه نه تنها حاملان دانش علمی هستند، بلکه به عنوان الگوهای اخلاقی و دینی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار شاگردان ایفا می‌کنند.

این موضوع در جوامع اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که آموزش همراه با ارزش‌های دینی و اخلاقی در رأس اصول تربیتی قرار دارد. مربیان صالح می‌توانند ضمن انتقال مهارت‌های فناوریانه، با تقویت دینداری و ارزش‌های اخلاقی، شاگردان را به استفاده درست و مسئولانه از فناوری هدایت کنند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که به ضرورت جلوگیری از سوءاستفاده‌های ممکن از فناوری‌های پیشرفته توجه کنیم؛ چرا که فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی علاوه بر فرصت‌های بی‌نظیر، ریسک‌های جدی نیز به همراه دارند.

این پژوهش بر نقش مربی صالح در علوم فناوریانه متمرکز است و می‌کوشد با بررسی روایات اسلامی و اصول عقلی نظیر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، اهمیت انتخاب مربی صالح را تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که حضور مربیان صالح نه تنها در پیشرفت علمی شاگردان تأثیرگذار است، بلکه با تقویت شخصیت و دینداری آن‌ها، بستری برای تربیت نسل آینده‌ای آگاه، اخلاق‌مدار و مسئول فراهم می‌سازد. در مقابل، مربیان ناصالح ممکن است به انحراف اخلاقی و علمی شاگردان منجر شوند.

از طرف دیگر؛ توسعه فناوری‌هایی مانند عامل‌های هوش مصنوعی با قابلیت‌های اخلاق‌محور نشان می‌دهد که می‌توان از این ابزارها نه تنها به عنوان ابزاری آموزشی و پژوهشی بلکه به عنوان مربیان اخلاقی استفاده کرد. بهره‌گیری از چنین فناوری‌هایی، به

شرط تخلیق به اصول اخلاقی و معنوی، می‌تواند فرصت‌هایی طلایی برای پیشبرد علوم فناوریانه همراه با ارزش‌های انسانی به وجود آورد.

این پژوهش به‌ویژه برای سیاست‌گذاران آموزشی و طراحان برنامه‌های درسی الهام‌بخش خواهد بود، چرا که نشان می‌دهد انتخاب مربیان صالح و ترویج آموزش اخلاق‌محور تا چه اندازه در بهبود کیفیت آموزش و تربیت دانشجویانی متخصص و اخلاق‌مدار مؤثر است.

پیشینه پژوهشی

در زمینه تربیت و اخلاق در فناوری تحقیقات و تالیفاتی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کتاب: «تربیت دینی در عصر فناوری» (۱۳۹۸)، نویسنده: محمدحسین فرهنگی که نویسنده در این کتاب به بررسی چالش‌های تربیت دینی در عصر فناوری‌های نوین پرداخته است. در این کتاب تأکید می‌کند که فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و فضای مجازی می‌توانند بر اعتقادات و رفتارهای دینی جوانان تأثیر بگذارند. وی راهکارهایی برای تقویت تربیت دینی در این عصر ارائه می‌دهد، اما نقش مربی در این فرآیند به طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲. مقاله: «نقش معلم در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان» (۱۳۹۷) محققین: فاطمه زهرا احمدی و سیدمحمد حسینیان مقاله به بررسی نقش معلم در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان پرداخته است. نویسندگان تأکید می‌کنند که معلم صالح می‌تواند با رفتار و گفتار خود، ارزش‌های اخلاقی را به آنها منتقل کند. با این حال، این مقاله به حوزه‌های فناوریانه و چالش‌های خاص آن‌ها نپرداخته است.

۳. مقاله: «تأثیر فناوری‌های نوین بر دینداری جوانان» (۱۳۹۹) نویسنده: محسن رضاییان مقاله به بررسی تأثیر فناوری‌های نوین مانند فضای مجازی بر دینداری جوانان پرداخته است. نویسنده به این نتیجه رسیده است که استفاده نادرست از فناوری می‌تواند باعث تضعیف اعتقادات دینی شود. با این حال، نقش مربی صالح در مقابله با این چالش‌ها در این مقاله بررسی نشده است.

۴. مقاله: «اخلاق در آموزش فناوری‌های نوین» پژوهشگران: علی اکبر رشیدی و زهرا محمدی (۱۴۰۱) این دو پژوهشگر در این مقاله به بررسی اصول اخلاقی در آموزش فناوری‌های

نوین پرداخته است. نویسندگان بر لزوم آموزش اخلاق حرفه‌ای در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی تأکید می‌کنند، اما نقش مربی صالح در تقویت دینداری و شخصیت شاگردان به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است.

نواوری مقاله حاضر در بررسی نقش مربی صالح در حوزه‌های فناوری‌ها با تأکید بر تقویت دینداری و شخصیت شاگردان است. این پژوهش با ترکیب مبانی دینی (روایات اسلامی) و قواعد عقلی (مانند قاعده وجوب دفع ضرر محتمل)، رویکردی جامع به این موضوع ارائه می‌دهد. همچنین، این مقاله به چالش‌های خاص فناوری‌های نوین پرداخته و راهکارهایی برای استفاده مسئولانه و اخلاقی از این فناوری‌ها ارائه می‌کند. این رویکرد در پژوهش‌های پیشین کمتر دیده شده است.

یافته های پژوهشی

از آنجایی که آیات و روایات ناظر به علم آموزی در راستای علوم دینی و احکام است ، قبل از پرداختن به مباحث اصلی ، به ادله تسری آداب تعلم به علوم غیر دینی اشاره می شود . اگر معنای عامی برای واژه «علم» انتخاب شود ، آداب بیان شده در روایات به همان دایره معنایی تسری پیدا می‌کند ، اما براساس انتخاب معنایی خاص برای واژه علم برای تسری آداب تعلم علوم دینی به تعلیمی که در قلمروی علوم دینی نیست سه راه وجود دارد:

الف) تحدید دایره انصراف : واژه «علم» در روایات، به طور ابتدایی به علم دینی منصرف نمی‌شود، اما قرائن و شواهدی محدوده آن را مشخص می‌کنند و باعث انصراف آن به معنای خاص می‌شوند (جوادی، ۱۳۸۱، ش ۲۴۷). این انصراف، دایره علوم اسلامی را محدود می‌کند، اما دلایلی وجود دارند که دایره انصراف را محدودتر کرده و علوم دینی را گسترش می‌دهند. این دلایل، برخی علوم غیردینی را به عنوان علوم ثانویه، برتر و دینی می‌کنند. از جمله این دلایل می‌توان به «مقدمیت»، «رفع نیاز جامعه مسلمین» و «نفی سبیل» اشاره کرد. به دلیل این ادله، برخی علوم که به طور عام در نظر گرفته می‌شوند، به عنوان علوم ثانویه وارد دایره علوم دینی می‌گردند؛ هرچند که به عنوان علوم اولیه، برتر و دینی محسوب نمی‌شوند. (اعرافی، ۱۴۰۰: ۲، ۹۴ الی ۱۰۰)

«مقدمیت» به معنای یادگیری برخی علوم دینی، در گرو یادگیری علوم غیر دینی است مانند اینکه ؛ تفقه در احکام دینی در گرو دانستن علومی مانند منطق و فلسفه است.

بنابراین علم منطق به عنوان «اولی» از علوم دینی نیست؛ اما مقدمه ای برای یادگیری علوم دینی است و به عنوان «ثانوی» و از باب مقدمیت، علم دینی می‌گردد؛ زیرا دایره انصراف را محدود می‌کند به اینکه مقدمه علوم دینی نباشد.

علوم غیردینی که (به عنوان مقدمه) لازم برای یادگیری علوم دینی یا رفع نیازهای جامعه‌ی مسلمین باشند، می‌توانند تحت شمول آداب تعلم علوم دینی قرار بگیرند. این دیدگاه بر این اساس است که واژه‌ی «علم» در روایات، اگرچه به‌ظاهر عام است، اما با توجه به قراین و ادله‌ی خاص، می‌تواند به علوم دینی محدود شود. با این حال، برخی علوم غیردینی نیز به دلیل نقش مهمی که در پیشبرد علوم دینی یا رفع نیازهای جامعه‌ی اسلامی دارند، به عنوان علوم ثانوی دینی در نظر گرفته می‌شوند. به عنوان مثال، علم منطق یا فلسفه، اگرچه به‌خودی‌خود از علوم دینی نیستند، اما به عنوان مقدمه‌ی لازم برای فهم عمیق‌تر علوم دینی (مانند فقه یا اصول) تلقی می‌شوند. بنابراین، این علوم به عنوان علوم ثانوی دینی در نظر گرفته می‌شوند و آداب تعلم به آن‌ها نیز تسری پیدا می‌کند (اعرافی، ۱۴۰۰: ۲، ۹۴ الی ۱۰۵). بنابراین اگر علوم فناوریانه (مانند پزشکی، مهندسی، یا فناوری‌های نوین) نیز اگر در راستای برآورده نمودن نیازهای جامعه‌ی اسلامی یا پیشبرد اهداف دینی باشند، می‌توانند تحت این دیدگاه قرار بگیرند. به عنوان مثال، یادگیری علوم پزشکی برای درمان بیماران یا علوم مهندسی برای ساخت مساجد و اماکن مذهبی، به عنوان علوم ثانوی دینی تلقی می‌شوند. استاد مطهری (ره) نیز بر این نکته تأکید کرده است که هر علمی که برای رفع نیازهای جامعه‌ی اسلامی ضروری باشد، از نظر اسلام دارای ارزش و اهمیت است و تحصیل آن واجب یا مستحب شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۵: ۱، ۱۷ و ۱۸). بنابراین، علوم فناوریانه نیز می‌توانند جزو مواردی باشند که آداب تعلم به آن‌ها تسری پیدا می‌کند، به‌ویژه اگر در راستای اهداف دینی یا نیازهای جامعه‌ی اسلامی باشند. این علوم، اگرچه به‌خودی‌خود دینی نیستند، اما به دلیل نقش مهمی که در پیشبرد اهداف دینی یا رفع نیازهای جامعه دارند، به عنوان علوم ثانوی دینی در نظر گرفته می‌شوند و آداب تعلم به آن‌ها نیز تسری می‌یابد.

ب) تنقیح مناط: در موردی ممکن است چنین ادعا شود ظهور این مجموعه روایات در همان علوم دینی است؛ اما به دلیل تنقیح، مناط، آداب آن به علوم مباح و غیر دینی نیز تسری دارد و تفاوتی بین آن‌ها لحاظ نمی‌گردد احتمال دارد در اذهان کسانی که این آداب را به غیر علوم دینی سرایت می‌دهند تنقیح مناط شکل گرفته باشد. واژه «تنقیح مناط» نزد

اصولیین یعنی «الحاق فرع به اصل با الغای تفاوت بین آنها» (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱، ۲۵۷). بنابراین، از آنجا که در علت حکم مشترک اند، در حکم نیز مشترک می‌شوند. این احتمال در حالی است که قرائن موجود در روایات آداب تعلم، مانع از آن است که آنها در علت حکم مشترک دیده شوند. قرائنی وجود دارد بر اینکه حکم برخی از آنها به دلیل دینی بودن آن علوم است؛ مانند ادب «عمل به علم که علت حکم، لزوم عمل به مسائل دینی است؛ عالم از آنجا که از آنها خبر دارد بر او واجب یا مستحب است که بدان عمل کند (همان).

ج) قرائن خاصه: اینکه گفته شود، قاعده اولیه در روایات، حمل علم بر معنای خاص یعنی علم دینی است؛ اما احتمال دارد در برخی آداب، قرائن خاصی پیدا شود که علم در آنها به معنای عام به کار رفته است و آداب نیز شامل علم آموزی در غیر علوم دینی شود. در کتاب فقه تربیتی (اعرافی، ۱۴۰۰: ۸، ۲۵۶ الی ۲۷۰)؛ تحدید انصراف است. چرا که تنقیح مناط، استظهار شخصی و غیر مستند است. قرائن خاصه محدود به موارد خاص است و کلیت ندارد. از آنجا که ادله عقلی یا سیره علما، عام هستند و مطلق علوم را شامل می‌شوند. آداب علم آموزی و اخلاق علم آموزی، قابل تسری می‌باشند؛ مانند استناد به قاعده شکر منعم، در اثبات لزوم تشکر از معلم این قاعده شامل هر معلمی است که سودی به شاگرد رسانده است؛ هرچند سود مادی از راه تدریس فنون علمی و صنعتی باشد در نتیجه این موارد به قرینه شمول، ادله از قاعده اولیه خارج می‌شوند؛ هرچند دلیل شرعی نیز داشته باشند و «علم» در آن ادله شرعی بر معنای خاص حمل می‌شود.

در مبانی اسلامی معلمی که دارای اثرات مثبت (مانند اخلاق) بر متعلم می‌گذارد، ادعا استحباب انتخاب چنین معلمی است که به قطع یا ظن قابل توجه بر امور پایه‌ای و الزامی یا امور ثانوی و رجحانی، اثر مثبت بر متعلم دارد. دلیل این ادعا دو گروه (طایفه) از روایات می‌باشد. لازم به بیان است که آیات و روایات عنوان مهمی را همواره مد نظر دارند و آن دقت در انتخاب معلم است. این ادله در کتاب «العلم و الحکمة» (ری شهری، ۱۳۹۰). جمع آوری شده است که در این مجال به برخی از آیات و روایات اشاره می‌شود. که در ذیل آیه سوره عبس «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (سوره عبس، ۲۴) روایاتی آمده است که به برخی اشاره می‌شود:

روایت: «... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ قَالَ: «قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ: عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ» (کلینی، ۱۴۰۰: ۱، ۴۹ و ۵۰). باید انسان به

خوراک خویش نظر داشته باشد، پرسید معنی خوراک (غذا) چیست؟ فرمود: علمی را که فرا می‌گیرد نظر کند از که فرا می‌گیرد. این روایت، «طعام» ذکر شده در آیه را به علم تأویل برده است. در نتیجه براساس امر مولوی «فلینظر»، دستور می‌دهد به دقت در انتخاب علمی که دریافت می‌شود. «عَمَّنْ يَأْخُذُهُ» عام و شامل هر فردی است که علم از او گرفته می‌شود که از مصداق‌های مهم آن معلم است. در نتیجه از مصداق‌های عمل به امر مولوی این آیه دقت در انتخاب معلم است یا به تعبیری دیگر، انتخاب معلم صالح است؛ در نتیجه می‌توان گفت به انتخاب معلم، صالح امر مولوی شده است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «به دانشمندی نزدیک شوید که شما را از تکبر و از نفاق به اخلاص و از شک به یقین و از میل به زهد و از دشمنی به پند و اندرز دعوت می‌کند، هیچ کس شایستگی موعظه مردم را ندارد، مگر کسی که با اخلاص خود بر این بلاها غلبه کرده باشد، عیوب گفتار را دیده، صواب را از ناروا، بیماری‌های فکر، و سوسه‌های نفس و هوس‌ها را بشناسد. (ابن فهد حلی، ۱۳۷۰: ۷۸ و نجاشی، ۱۴۰۵: ۳۳۵). شیخ مفید روایتی شبیه به این روایت را ذکر نموده است. (شیخ مفید، ۱۳۷۰: ۳۳۵). با توجه به این روایات از همنشینی با عالمی سخن می‌گوید؛ که دارای اثرگذاری مثبت در تقویت صفات یاد شده باشد.

در روایت نبوی دیگر چنین فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ دِينٌ، فَاَنْظُرُوا عَمَّنْ تَأْخُذُونَ دِينَكُمْ» : علم، دین است. نماز، دین است. پس بنگرید که این علم را از چه کسی فرا می‌گیرید. متقی هندی، ۱۳۸۸: ح ۲۸۶۶۶)

دلیل محوری در اینجا آیه شریفه است که روایات ذکر شده می‌توانند به منزله قرینه آیه استفاده شوند. البته فارغ از آیه بیان شده، این دسته روایات ضعیف السند دارای تعدد و کثرت اند؛ این تعدد در چنین امری، موجب نوعی اطمینان عقلایی است. در مواردی که مخالف نباشد، کثرت روایات نوعی حجت عقلایی به وجود می‌آورد. (اعراف، ۱۴۰۰: ۸، ۲۵۶ الی ۲۷۱)

استاد گزینی در علوم فناوریانه

انتخاب مربی در علوم مرتبط با فناوری، به ویژه در حوزه‌های پیچیده‌ای مانند هوش مصنوعی، باید با دقت و توجه به دو بُعد صلاحیت شخصیتی و حرفه‌ای انجام شود. مربی صالح نه تنها باید از نظر علمی متخصص باشد، بلکه باید از نظر اخلاقی و شخصیتی نیز

الگویی مناسب برای متعلمین باشد. این موضوع در منابع دینی و علمی نیز مورد تأکید قرار گرفته است که به برخی از مواردی که درباره مربی در علوم فناوریانه باید دقت شود ذکر می شود :

۱. صلاحیت شخصیتی

صلاحیت شخصیتی مربی شامل ویژگی های اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی است. یک مربی صالح باید از نظر عرفی و شرعی دارای ویژگی هایی مانند راستگویی، دوری از فساد جنسی و مالی، و تعهد به ارزش های اخلاقی باشد. این صلاحیت ها نه تنها بر کیفیت آموزش تأثیر می گذارند، بلکه بر شخصیت و رفتار متعلم نیز اثرات مثبت یا منفی خواهند داشت. در روایات اسلامی تأکید شده است که همنشینی با افراد صالح و عالم باعث یادآوری خدا و تقویت ایمان می شود. برعکس، همنشینی با افراد فاسد یا گمراه کننده می تواند اثرات منفی بر فرد داشته باشد. بنابراین، انتخاب مربی با صلاحیت شخصیتی بالا نه تنها توصیه شده، بلکه در برخی موارد واجب است. این موضوع در منابع دینی و علمی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۵: ۱، ص ۱۲۳)

۲. صلاحیت حرفه ای

صلاحیت حرفه ای به تخصص و مهارت مربی در حوزه ای که تدریس می کند، اشاره دارد. یک مربی صالح باید دارای دانش کافی و مهارت های لازم برای انتقال مفاهیم علمی به متعلمین باشد. در حوزه هایی مانند هوش مصنوعی، که به سرعت در حال پیشرفت است، این صلاحیت اهمیت بیشتری پیدا می کند. مربی باید به روز باشد و بتواند دانش خود را به شیوه ای مؤثر و قابل فهم انتقال دهد. اگر مربی در حوزه هوش مصنوعی تخصص کافی نداشته باشد، ممکن است نه تنها مفاهیم را به درستی انتقال ندهد، بلکه باعث گمراهی متعلمین شود. این موضوع می تواند خطرات جدی در پی داشته باشد، به ویژه در حوزه هایی که اخلاق و مسئولیت پذیری نقش مهمی ایفا می کنند. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸، ۲۶۸ الی ۲۸۱)

با توجه به خطرات احتمالی هوش مصنوعی، مانند سوءاستفاده از فناوری، نقض حریم خصوصی، یا ایجاد سیستم های خودمختار خطرناک، انتخاب مربی با صلاحیت حرفه ای و شخصیتی بالا ضروری است. مربی باید بتواند علاوه بر انتقال دانش، مسائل اخلاقی و اجتماعی

مرتبط با هوش مصنوعی را نیز به متعلمین آموزش دهد. این موضوع در منابع دینی و علمی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱، ۱۲۳)

معلم نه تنها بر دانش، بلکه بر شخصیت و رفتار متعلم نیز تأثیر می‌گذارد. مربی صالح می‌تواند با رفتار و گفتار خود، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به متعلم انتقال دهد. این تأثیر در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، که با مسائل اخلاقی و اجتماعی پیچیده‌ای همراه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. معلم باید بتواند متعلم را نسبت به خطرات احتمالی فناوری‌های جدید آگاه کند و او را به سمت استفاده مسئولانه از این فناوری‌ها هدایت کند. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸، ۱۳۱)

در آموزش فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی علاوه بر اینکه تخصص معلم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و معلم باید بتواند مفاهیم پیچیده را به شیوه‌ای ساده و قابل فهم آموزش دهد قطعاً اخلاق نقش کلیدی در تعلیم و تعلم ایفا می‌کند. مربی علوم فناوریانه باید بتواند متعلم را نسبت به مسائل اخلاقی مرتبط با این فناوری‌ها آگاه کند. این موضوع شامل مسائلی مانند: حریم خصوصی، امنیت داده‌ها، و مسئولیت‌پذیری در استفاده از فناوری‌های جدید است. معلمی که از صلاحیت اخلاقی برخوردار است، می‌تواند متعلم را به سمت استفاده مسئولانه و اخلاقی از فناوری هدایت کند.

براساس مولوی بودن «امر» در آیات و روایات مذکور، امر (مولوی) به انتخاب استاد صالح را می‌توان استفاده کرد. این امر ظهور در وجوب دارد و از وجوب آن نمی‌توان دست برداشت؛ اما معلم صالح برپایه مراتب صلاحیت‌ها و انواع علوم که در آن به معلم نیاز است، اطلاقی دارد که نمی‌توان به وجود انتخاب معلم صالح در تمامی مراتب و برای تمامی علوم حکم کرد. در نتیجه ظهور امر در وجوب و اطلاق موضوع یا ماده تا حد امکان حفظ می‌شود؛ مگر در مواردی که حمل موضوع یا ماده بر وجوب با مشکل مواجه گردد که در این موارد از ظهور امر در وجوب دست برداشته و بر استحباب حمل می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸، ۲۶۸الی ۲۸۱)

برخی از روایات مربوط به دوست یابی است که این روایات، بر رجحان انتخاب معلم دارای اثر مثبت بر متعلم اشاره دارد برای نمونه روایت زیر از این دسته روایات اشاره می‌شود:

«... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَتِ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نَجَالِسُ قَالَ مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتْهُ وَيَزِيدُ فِي عَلَيْكُمْ مَنْطِقُهُ وَيَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ». (کلینی،

۱۳۸۰: ۱، ۳۹) حضرت رسول (ص) می فرماید: حواریون به حضرت عیسی گفتند: ای روح الله با چه کسی بنشینیم، حضرت فرمود: آن که چشمش تو را به یاد خدا بیاورد و گفتارش مقامت را زیاد کند و کردارش تو را به آخرت میل کند.

در این روایت حضرت رسول (ص) سه عنصر موثر در انتخاب همنشین را بیان می کنند: ۱. دیدنش یادآور خداوند باشد که بروزهای رفتاری او را نیز شامل می شود؛ ۲. بیانش، علم افزا باشد ۳. رفتارش رغبت به آخرت را افزون کند؛ که این خصلت ها در مقابل کسانی که رفتارش بر محور دنیا طلبی است. در پاسخ حضرت عیسی (ع) امری نهفته وجود دارد که به قرینه پرسش شده است. بدین صورت: «مَنْ نُجَالِسُ قَالَ [جالسوا] مَنْ يُذَكِّرُكُمْ الله...» (ابن الغضائری، ۱۳۸۲: ۶۸) با چه کسی می نشینیم، فرمود: با کسانی که شما را به یاد خدا می اندازند، بنشینید؟» با توجه به این محذوف جمله بیان شده خبری می نماید؛ در حالی که انشائی و مولوی است. البته امر ظهور در وجوب دارد؛ اما به قرینه شاخصه های بیان شده نمی توان این امر را حمل بر وجوب کرد؛ زیرا در صورت وجوب، ترک این چنین دوستی را براساس قاعده ملازمه باید حرام دانست؛ در حالی که به یقین چنین نکته ای سابقه بیان از سوی فقها نداشته است و با ارتکازات شرعی و مناسبت حکم و موضوع تناسب. ندارد در نتیجه همنشینی که اشاره به مراتب والای دوستی مؤمنانه است، مستحب می باشد. از مجموعه روایات یاد شده دلالت بر این رجحان دارند. (اعرافی، ۱۳۹۰: ۷۸)

قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بر این اصل استوار است که باید از وقوع ضررهای احتمالی، به ویژه ضررهای جبران ناپذیر یا با اهمیت زیاد، جلوگیری نمود. این قاعده در فقه و اصول فقه کاربرد گسترده ای دارد و با توجه به میزان احتمال و اهمیت ضرر، احکام مختلفی (واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام) برای آن صادر می شود. هدف نهایی این وجوب دفع ضرر «محتمل» در چند دانش بررسی شده است؛ از جمله در اصول در بحث «عقاب بلا بیان» و فقه مانند فقه امر به معروف و نهی از منکر در راستای بهره بردن از این، قاعده بیان چند نکته بایسته است:

۱. محدوده ضرر این قاعده شامل ضرر در فعل و ترک آن می شود. در ادعای مورد نظر، ضرر ترک انتخاب استاد صالح مورد نظر است؛ در نتیجه ترک آن صحیح نیست و باید انتخاب معلم صالح را به منزله دافع ضررهای متیقن یا محتمل انجام داد.

۲. احتمال ضرر درباره احتمال وقوع ضرر لحاظ دو مورد لازم است؛ احتمال و اهمیت محتمل (ضرر) برخی ضررها امکان بازگشت پذیری بسیار کمتری دارند یا غیر قابل بازگشتاند؛ مانند ضرر گمراهی از دین و از دست دادن فرصت جوانی این محتمل در مورد انتخاب یک معلم درجه احتمالی کمی دارد؛ اما به دلیل اهمیت باید دفع گردد.

۳. معنای دفع منظور از دفع معنایی عام است که هم دفع و هم رفع را شامل می‌شود.

۴. طریقی بودن قاعده حکم دفع ضرر محتمل، طریقی است؛ نه نفسی یا غیری؛ در نتیجه ترک، آن عقاب مستقل ندارد؛ عقاب، همان ضرر در واقع است.

حکم قاعده عقل در قاعده دفع ضرر محتمل احکام پنبجگانه دارد در مراتبی بر واجب بودن دفع ضرر و در مواردی بر مندوب بودن آن دلالت دارد؛ اما ممکن است که احتمال ضرر کم باشد و عقل رجحانی برای دفع آن قائل نباشد (مباح) یا اینکه عقل دفع ضرر را مرجوح بداند حرام یا مکروه. (همان)

معلم دارای اثر احتمالی منفی در علوم فناوریانه

انتخاب استاد ناصالح در زمینه علوم فناوریانه، می‌تواند باعث فاصله گرفتن تدریجی یا کاهش ارتباط فرد با ارزش‌های دینی و معنوی شود. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش انگیزه‌های معنوی و اخلاقی در فرد شود و او را به سمت گمراهی و دوری از دین سوق دهد. مربیان غیرمعتقد ممکن است به دانش‌آموزان و دانشجویان نگرش‌های نامناسبی درباره دین و اخلاق انتقال دهند و باعث تضعیف اعتقادات دینی آن‌ها شوند. (محمدی، ۱۳۹۲: ۲، ۹۰-۱۰۵)

به هر حال استفاده نادرست از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و فضای مجازی می‌تواند منجر به تضعیف ارزش‌های اخلاقی و معنوی شود. این موضوع می‌تواند باعث کاهش توجه به مسائل دینی و اخلاقی در جامعه شود. فناوری می‌تواند افراد را به سمت رفتارهای نادرست و غیراخلاقی سوق دهد و آن‌ها را از ارزش‌های دینی دور کند. با توجه به اینکه هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین توانایی تحلیل و پیش‌بینی رفتارها را دارند، استفاده نادرست از آن‌ها می‌تواند به کاهش اهمیت اصول اخلاقی منجر شود. (محمدی، ۱۳۹۰: ۱، ۵۰ الی ۶۵)

لازم به بیان است که تکنولوژی یا علوم فناوریانه مانند فضای مجازی یا هوش مصنوعی می تواند منبعی برای انتشار اطلاعات نادرست و گمراه کننده باشد. این موضوع می تواند باعث گمراهی افراد در مسائل دینی و اعتقادی شود و آن ها را از مسیر صحیح دینی دور کند. انتشار شایعات، اطلاعات نادرست و تبلیغات مغرضانه می تواند باورهای دینی افراد را تحت تاثیر قرار دهد و آن ها را به سمت اعتقادات نادرست سوق دهد. علاوه بر این، فضای مجازی می تواند افراد را به سمت محتوای نامناسب و غیراخلاقی هدایت کند. (کریمی، ۱۳۹۱: ۲، ۷۰ الی ۸۰)

اگر چه استفاده از علوم فناوریانه در پیشرفت جامعه بشری نقش بسزایی دارد اما از طرف دیگر، استفاده نادرست از فناوری های نوین و فضای مجازی می تواند باعث اتلاف وقت و از دست دادن فرصت های ارزشمند جوانی شود که این امر موجب کاهش توجه به مسائل دینی و معنوی در جوانان شود. این امر فرصت های ارزشمند و طلایی را برای رشد معنوی و اخلاقی را می سوزاند. این مسئله می تواند به کاهش انگیزه های دینی و اخلاقی در جوانان منجر شود. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸، ۲۶۸ الی ۲۸۱) از این مهمتر در خصوص هوش مصنوعی با توجه به ارتباط عمیق آن با لایه های شناختی انسان باعث تغییر زیرساخت های شناختی انسانها و جوامع و انحراف فکری عمیق شود از منظر دینی نیز عقل به عنوان یکی از منابع شناخت و تشخیص احکام دینی مورد تأیید است و می تواند به افراد در درک بهتر مفاهیم دینی کمک کند. با وجود چنین آسیب هایی پس حکم عقل در این موارد بر استحباب «دفع ضرر محتمل» در امور مذکور است در نتیجه مستحب است چنین معلمی انتخاب نگردد.

بر مبنای برخی از قواعد مانند قاعده انتخاب دوست، به اطلاق یا اولویت، این نتایج به دست آمد که انتخاب استادی که گمراه کننده یا مبتلا به گمراهی است «حرمت» یا «کراهت» دارد. انتخاب معلمی که از خوبان است و مجالست با آنها اثر مثبت دارد استحباب دارد. اینجا نیز ملاک جداکننده حرمت از کراهت تأثیرگذاری صفات او بر امور پایه ای و الزامی یا امور ثانوی و رجحانی است. انتخاب مربی صالح نه تنها برای رشد علمی، بلکه برای رشد اخلاقی و معنوی نیز ضروری است. اعرافی، ۱۳۹۵: ۸، ۲۶۸ الی ۲۸۱) اهمیت انتخاب مربی صالح تا جایی است که انتخاب او از جمله مسائل اساسی در تربیت فردی و اجتماعی است. این موضوع به دلیل تأثیر عمیق مربی بر شکل گیری شخصیت و عقاید شاگردان است. انتخاب

مربی ناصالح می‌تواند باعث انحراف فکری و اخلاقی شود. بنابراین، رجحان مربی‌گزینی صالح یک ضرورت اخلاقی و دینی است. (کلینی ، ۱۳۸۰: ۱، ۴۲)

همنشینی با افراد صالح و مربیان صالح، تأثیرات مثبت فراوانی بر رشد اخلاقی و معنوی افراد دارد که در عرف و اجتماع ، مربی هم به نوعی همنشین قلمداد می‌شود. در روایات اسلامی همواره تأکید بر انتخاب همنشین صالح به عنوان یک اصل تعلیمی و تربیتی مهم مورد تأکید قرار گرفته است. همنشینی با صالحان باعث تقویت ایمان، افزایش دانش و بهبود رفتار می‌شود. در مقابل، همنشینی با افراد ناصالح می‌تواند باعث انحراف و گمراهی شود. بنابراین، انتخاب مربی صالح نه تنها برای رشد علمی، بلکه برای رشد اخلاقی نیز ضروری است. (ابن شعبه حرانی ، ۱۳۸۲: ۳۵)

در علوم فناوریانه، اگرچه تخصص و دانش فنی مربی بسیار مهم است، اما اخلاق و شخصیت او نیز نقش کلیدی در تربیت شاگردان دارد. یک مربی صالح نه تنها دانش فنی را منتقل می‌کند، بلکه روحیه علمی، صداقت، مسئولیت‌پذیری و اخلاق حرفه‌ای را نیز به شاگردان آموزش می‌دهد. (مصباح یزدی ، ۱۳۹۰: ۲ ، ۱۵۶ الی ۱۵۰) نقش مربی صالح در علوم فناوریانه، علاوه بر آموزش دانش فنی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز به شاگردان آموزش می‌دهد. این موضوع به ویژه در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و مهندسی، که تأثیرات مستقیمی بر جامعه دارند، بسیار مهم است. یک مربی صالح می‌تواند شاگردان را به سمت استفاده مسئولانه و اخلاقی از فناوری هدایت کند، در حالی که یک مربی ناصالح ممکن است نگرش‌های منفی یا غیرمسئولانه را ترویج دهد. این موضوع به ویژه در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، امنیت سایبری و بیوتکنولوژی، که تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. (مطهری ، ۱۳۹۰: ۱ ، ۱۲۳ الی ۱۲۶) در عصر کنونی ، هوش مصنوعی نیز می‌تواند با ارائه پاسخ‌های هوشمند و مبتنی بر اصول اخلاقی و دینی، نقش مربی اخلاقی را ایفا کند. به عنوان مثال، در آموزش مفاهیم اخلاقی پیچیده، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل شرایط و پرسش‌های کاربران، راه‌حل‌ها و توصیه‌هایی ارائه دهد که با اصول اخلاقی و دینی سازگار باشد. چت‌بات‌های اخلاق‌محور می‌توانند نقش راهنما داشته باشند و در موقعیت‌های حساس اخلاقی، پاسخ‌هایی متوازن و مبتنی بر مبانی معنوی ارائه کنند. چت‌بات‌های اخلاق‌محور می‌توانند در تربیت شاگردان، مشابه یک مربی صالح، تأثیرگذار باشند. این چت‌بات‌ها نه تنها می‌توانند مفاهیم پیچیده فناوریانه را با زبانی ساده و

قابل فهم ارائه دهند، بلکه می توانند در تحلیل موقعیت های اخلاقی و ارائه راه حل هایی که با اصول اخلاقی و دینی همسو باشند نیز مفید باشند. در محیط هایی مانند هوش مصنوعی و امنیت سایبری، که چالش های اخلاقی گسترده ای دارند، چت بات ها قادر به ارائه پاسخ های متعادل و منطقی هستند و می توانند کاربران را به سمت تصمیم گیری های مسئولانه و اخلاقی هدایت کنند.

این ابزارها در شرایطی که انتخاب یک مربی صالح ممکن نباشد، می توانند جایگزین مناسبی باشند و نیازهای آموزشی را به ویژه در حوزه تربیت اخلاقی برآورده کنند. چت بات ها می توانند به شکل خودکار و بدون خستگی، به پرسش های کاربران پاسخ دهند و همراهی مداومی در مسیر یادگیری ارائه کنند.

این موضوع در کنار آموزه های دینی، به عنوان یک اصل عقلانی نیز مطرح است. انتخاب معلم ناصالح می تواند باعث ضررهای جبران ناپذیر شود. برای جلوگیری از آسیب های احتمالی، عقل حکم می کند که باید از معلمان صالح و قابل اعتماد بهره گرفت. پس عقل و دین هر دو بر رجحان مربی گزینی صالح تأکید می کنند. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۷۴، ۲۳) به دلیل تأثیر عمیق معلم بر شکل گیری شخصیت متربی است. بنابراین، رجحان مربی گزینی صالح در تربیت فرزندان یک ضرورت است. (عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۸۷: ۸۷)

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی نقش مربی صالح در علوم فناوریانه و تأثیر آن بر شخصیت و دینداری شاگردان پرداخته شده است. یافته‌ها نشان داد که در عصر فناوری‌های نوین، مربی صالح نه تنها به عنوان انتقال‌دهنده دانش، بلکه به عنوان الگویی اخلاقی و معنوی، نقش بی‌بدیلی در تربیت نسل آینده ایفا می‌کند. با توجه به پیچیدگی‌های اخلاقی و اجتماعی فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و امنیت سایبری، مربی صالح می‌تواند با ایجاد تعادل میان پیشرفت علمی و حفظ ارزش‌های دینی، شاگردان را به سمت استفاده مسئولانه و اخلاقی از فناوری هدایت کند.

از جمله یافته‌های این پژوهش، تأکید بر نقش دوگانه مربی صالح در علوم فناوریانه است. از یک سو، مربی صالح با تسلط بر دانش فنی، شاگردان را به سطوح بالای تخصصی می‌رساند و از سوی دیگر، با تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی، از سوءاستفاده از فناوری جلوگیری می‌کند. این دوگانگی، مربی صالح را به عاملی کلیدی در تربیت متخصصانی تبدیل می‌کند که نه تنها از نظر علمی توانمند هستند، بلکه از نظر اخلاقی و دینی نیز متعهد می‌باشند. در این پژوهش، با استناد به روایات اسلامی و قواعد عقلی مانند قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، ضرورت انتخاب مربی صالح به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از آسیب‌های اخلاقی و دینی تأیید شد.

یکی از نوآوری‌های این پژوهش، ترکیب مبانی دینی و عقلی برای بررسی نقش مربی صالح در علوم فناوریانه است. این پژوهش نشان داد که انتخاب مربی صالح نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک ضرورت دینی و عقلی است. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل به وضوح بیان می‌کند که انتخاب معلم ناصالح، که ممکن است باعث انحراف فکری یا اخلاقی شاگردان شود، حرام است. این قاعده به عنوان مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اصول دینی و اخلاقی مورد استفاده قرار گرفت.

پیشرفت فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، علاوه بر مزایا و تحولاتی که در زمینه‌های علمی و اقتصادی به ارمغان آورده است، چالش‌های مهمی را نیز در حوزه‌های اخلاقی و دینی ایجاد کرده است. هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های فناورانه اگر بدون چارچوب اخلاقی مشخص توسعه یابند، می‌توانند ابزارهایی برای گمراهی و تضعیف باورهای دینی شوند. به عنوان مثال، انتشار اطلاعات نادرست یا تبلیغات مغرضانه در فضای مجازی می‌تواند اعتقادات دینی کاربران را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را به سوی باورهای نادرست هدایت کند. همچنین، محتوای نامناسب و غیراخلاقی که در فضای دیجیتال رواج دارد، به کاهش ارزش‌های معنوی به‌ویژه در جوانان منجر می‌شود و فرصت‌های طلایی آنان برای رشد اخلاقی را از بین می‌برد. در نتیجه، توجه به تربیت اخلاقی در طراحی فناوری‌های هوشمند و توسعه زیرساخت‌های اخلاقی در این حوزه، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

از منظر دینی، عقل به‌عنوان ابزاری حیاتی برای تشخیص و استدلال، بر استحباب دفع ضرر احتمالی تأکید دارد. این اصل عقلی نیز ضرورت انتخاب چارچوب‌های اخلاقی برای فناوری‌های نوین را تقویت می‌کند. در این راستا، طراحی و توسعه چت‌بات‌هایی با قابلیت تحلیل اخلاقی و ترویج آموزه‌های دینی می‌تواند پاسخی مؤثر به این چالش‌ها باشد. این چت‌بات‌ها می‌توانند ضمن ارائه پاسخ‌های دقیق و مبتنی بر اصول اخلاقی، نقش مربیان صالح را در فضای دیجیتال ایفا کنند. چنین چت‌بات‌هایی با برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند به کاربران کمک کنند تا مسائل اخلاقی پیچیده را بهتر درک کنند و ارزش‌های معنوی را در زندگی روزمره خود پیاده‌سازی کنند.

ایجاد این چت‌بات‌های اخلاق‌محور مستلزم طراحی چارچوبی مشخص و آموزش داده‌های مرتبط با اخلاق و معنویت است. این چارچوب می‌تواند شامل اصول جهانی اخلاقی و آموزه‌های دینی باشد که کاربران را به سمت رفتارهای مسئولانه و اخلاقی هدایت کند. در کنار این، توسعه زیرساخت‌های فناورانه که از انتشار اطلاعات گمراه‌کننده جلوگیری کنند، می‌تواند به ترویج استفاده درست از فناوری کمک نماید.

در نهایت، توجه به چالش‌های اخلاقی ناشی از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی و تلاش برای حل آن‌ها از طریق تقویت زیرساخت‌های اخلاقی و توسعه چت‌بات‌های اخلاق‌محور، نه تنها به رشد معنوی جامعه کمک می‌کند، بلکه به تضمین استفاده مسئولانه از فناوری نیز منجر می‌شود. چنین رویکردی می‌تواند تعادلی مناسب میان پیشرفت فناوری و حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی برقرار سازد و نسل آینده را به سواین پژوهش تأکید می‌کند که گزینش و تربیت مربیان صالح در حوزه‌های فناوریانه باید به عنوان یک اولویت در برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. سیاست‌گذاران آموزشی و مدیران مؤسسات علمی باید با طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اصول دینی و اخلاقی، به تربیت نسل آینده متخصصان فناوری کمک کنند. این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای طراحی چنین برنامه‌هایی مورد استفاده قرار گیرد و نقش مربی صالح را به عنوان عاملی کلیدی در پیشرفت علمی و اخلاقی جامعه برجسته سازد.

منابع

۱. قرآن
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ش.
۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، انتشارات دار المصطفی، ۱۳۸۲ش.
۴. ابن فهد حلی، عدۀ الداعی و نجاح الساعی، انتشارات دار المعارف، ۱۳۸۵ش.
۵. ابن الغضائری، احمد بن ابی عبد الله، رجال ابن الغضائری، دار الهجره، ۱۳۸۲ش.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات جامعه المصطفی، ۱۳۹۰ش.
۷. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۸ (آداب تعلم، گردآوری: هادی عجمی)، جامعه المصطفی، ۱۳۹۵ش.
۸. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۲ (تعلیم و تعلیم علم و دین)، جامعه المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۹. بیانگرد، اسماعیل، فرزند من و رسانه، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۵ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب "آداب تعلیم و تعلم"، دارالحديث، ۱۳۸۵ش.
۱۱. حسینی، سید محمد، العلم و الحکمة، ج ۱، صدرا، ۱۳۹۰ش.
۱۲. ری شهری، محمد، العلم والحکمة فی الکتاب و السنۀ، مؤسسه علمی دارالحديث، ۱۳۸۵ش.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن، الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، ج ۱، دار الفکر، ۱۳۸۹ش.
۱۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، منیه المريد، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ش.
۱۵. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۷، دارالحديث، ۱۳۸۵ش.
۱۶. کریمی، علی، فضای مجازی و خانواده، ج ۲، جامعه المصطفی، ۱۳۹۱ش.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، دار الفکر، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴، باب "فضل العقل و ذم الجهل"، دارالحديث، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، الاختصاص، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. محمدی، زهرا، فناوری و نظام آموزشی، اصفهان، ج ۱، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. محمدی، زهرا، فناوری و نظام آموزشی، ج ۳، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۲ ش.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۲، دار المصطفی، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تعلم در اسلام، ج ۱، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۲۵. مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، ج ۱، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، ج ۱، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در جهان امروز، ج ۱، صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. میلر، الیزابت، آموزش و فضای مجازی، ج ۵، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ش.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، دار الهجره، ۱۳۸۲ ش.
۳۱. جوادی (آیت الله)، عبدالله، مقاله علم و دین، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۴۷.

